



انترناسیونال

۱۶۹

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۷ آذر ۱۳۸۵، ۸ دسامبر ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: محسن ابراهیمی



سوسیالیسم باشد. پاسخ این بربریت مدرن سرمایه فقط میتواند انقلاب کارگری و سوسیالیسمی باشد که انسان را در محور حرکت خود قرار دهد.

امروز دانشجویان و نسل آزاد اندیش و سوسیالیست در ایران مکان شایسته خود را در تاریخ

مشاهده دنیای امروز است. امروز بربریت سرمایه داری در قاموس دولتها و جریانات میلیتاریست و تروریست در دنیا بشریت را در چنگال مصائب جنگ و آوارگی و فقر و بیکاری و نژاد پرستی و مذهب و قوم پرستی به اسارت گرفته است. پاسخ این دنیای وارونه و ضد انسانی و بیرحم تنها میتواند

"سوسیالیسم یا بربریت" انتخابی گریز ناپذیر!

ترسیم میشود و شکل دادن به این آینده به انتخاب و تلاش آگاهانه گره میخورد. دو راهی "یا سوسیالیسم یا بربریت"، یک حقیقت انکار ناپذیر و قابل

امروز چهارشنبه پانزدهم آذر، دانشگاه تهران پیام مهمی به جهان مخابره کرد. این پیام صریح، روشن، قابل فهم و انسان محور است. در این پیام آینده



ستون اول

حمید تقوایی

به فعالین جنبش دانشجویی به مناسبت سازماندهی روز

آزادی و سوسیالیسم!

برگزاری شانزده آذر گسترده، سرخ و سوسیالیستی را به همه شما تبریک میگویم. این مراسم شکوهمند نشاندهنده قدرت و درجه نفوذ آرمانها و شعارهای رادیکال، چپ و سوسیالیستی نه تنها در دانشگاه و در میان جوانان بلکه در کل جامعه است. جنبش دانشجویی همواره نماینده و منعکس کننده وضعیت سیاسی جامعه بوده است و امسال شما دانشجویان چپ و مبارز به بهترین نحو آمال و خواستههای انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه اکثریت عظیم مردم را نمایندگی کردید. درود بر شما!

به روال هرسال رژیم و آخرین بقایای دو خردادی اش در دانشگاهها به هر ترفندی و تهدیدی متوسل شدند تا برگزاری مراسم روز دانشجویان را مانع شوند و یا آنرا لوٹ و تحریف کنند اما تلاشهای مذبوحانه شان به جایی نرسید. جنبش دانشجویی و کل جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه

صفحه ۲



فتوای قتل دو نویسنده جدالی دیگر علیه اسلام سیاسی

مینا احدی

این کشور بکند.

الهی های تحریک شده را در خیابانها دیدیم که بر علیه آزادی

صفحه ۳

یک روز بعد از چاپ مقاله، در تبریز و اردبیل و آستارا و تهران قیافه های چندش آور حزب

اوباش خود را در ایران و در شهرهایی از آذربایجان به میدان کشانده و رسماً اعلام جنگی و قیاحانه بر علیه آزادی بیان در

اواسط ماه نوامبر ۲۰۰۶ چاپ یک مقاله در نشریه صنعت با عنوان "ما و اروپا" باعث شد که حکومت اسلامی ایران، اراذل و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ستون اول

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی چه تر و رادیکال تر از آنست که با متوسل شدن به امامزاده عبدالله و زلزله مصنوعی و یا تهدید اخراج و دستگیری و تشدید فشار و سرکوب در جنبش دانشجویی و بر کل جامعه بتوان مانع پیشرویهای آن شد.

هر روز بخش وسیعتری از مردم به این حقیقت پی میبرند که بدون درهم کوبیدن این حکومت و نظام ضد انسانی حاکم رسیدن به آزادی و برابری و رفاه و برخورداری از یک زندگی درخور شان انسان ممکن نیست. توازن قوا به نفع چه و به ضرر رژیم و کلیه نیروهای ارتجاعی ملی-قومی-اسلامی در حکومت و در اپوزیسیون هر روز در حال تغییر است و شانزده آذرهای سرخ بیانگر این پیشرویها است. انزوا و اضمحلال تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی در دانشگاهها و بی اعتباری بیش از پیش دو خردادیهها و کلا نیروهای ملی-اسلامی در میان دانشجویان، و از سوی دیگر قدرتی و عرض اندام نیروهای چه با پرچم و شعار آزادی و برابری و سوسیالیسم در میان جوانان و دانشجویان، امروز یک واقعیت غیر قابل انکار است و ارتجاعیونی که از "شیخ لنین" در دانشگاهها به هراس افتاده اند به همین واقعیت اذعان میکنند.

در مقابل کل این نیروهای ارتجاعی پیشرویهای چه در دانشگاهها باید تحکیم و تثبیت شود، چه در دانشگاه باید در یک سطح وسیع و علنی متشکل شود و متشکل بماند، و تعرض جنبش دانشجویی، چه در عرصه خواستهای ویژه دانشجویان و چه در نقد و اعتراض سیاسی در برابر حکومت و نظام سرمایه، باید به حرکتی مستمر و پیگیر تبدیل گردد. شکل و تعیین سیاسی و اجتماعی چه در دانشگاهها یک گام بلند در

پیشروی و تعرض جنبش انقلابی سرنگونی طلب در کل جامعه است و امروز این مهم در صدر وظایف فعالین سوسیالیست در دانشگاهها قرار دارد.

امروز جنبش دانشجویی با بیان انسانی ترین و رادیکال ترین آمال و خواستهای مردم نشانه و مبشر انقلاب عظیمی است که در حال شکل گرفتن است. یک انقلاب آزادیبخش سوسیالیستی! و

این صف انقلاب و سوسیالیسم در عرصه سیاست و مبارزه بر سر قدرت سیاسی بوسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. این حزب شما است. حزب ضد سرمایه، حزب مقابل با قوم پرستی و ناسیونالیسم، حزب مبارزه با اسلام سیاسی و تروریسم نظم نوینی، حزب مقابل با سناریوهای سیاهی که برای جامعه ایران تدارک می بینند. حزب یک دنیای بهتر! حزب سازماندهنده انقلاب سوسیالیستی برای سرنگونی جمهوری اسلامی! به حزب خود بپیوندید و در کنار فعالین و انقلابیون چه در جنبش کارگری و در جنبش آزادی زن و در مبارزه علیه اعدام و سنگسار و برای آزادی زندانیان سیاسی، دوشادوش همه فعالین و دست اندرکاران جنبش انقلابی سرنگونی طلبانه مردم ایران، برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق جمهوری سوسیالیستی مبارزه قدرتمند و متحد و یکپارچه ای را به پیش ببرید!

یکبار دیگر به همه شما تبریک میگویم و دستتان را به گرمی میفشارم.

حمید تقوایی،

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آذر ۱۳۸۵، ۷ نوامبر ۲۰۰۶

سوسیالیسم یا بربریت

از صفحه ۱

اعتراضات پیشرو جهان ثبت کردند. در تهران و شهرهای دیگر صدائی متحد و با اعتماد بنفس قد علم کرد و راه حل آزادیخواهانه خود را در مقابل کل جامعه قرار داد. این شعارها که امروز در تهران اختناق زده تکرار شد مثل بلور شفاف است: "آزادی و برابری"، "رهائی زنان

خاکستری دل نبسته است، این پلاتفرم جامعه را در مقابل انتخابی روشن و انسانی قرار میدهد؛ برای نفی بربریت باید سوسیالیسم را بپا کرد و سوسیالیسم پرچم مقابل با بربریت است!

روزهای ۱۴ و ۱۵ آذر دانشجویان در تهران و تبریز و



بربریت و تروریسم اسلامی در خاورمیانه و جهان را با قدرت جنبش سوسیالیستی شکست داد! طبقه کارگر و پیشروان سوسیالیست طبقه کارگر، زنان و مردان آزادیخواه، جوانان پرشور و خواهان عدالت و آزادی باید متحد شوند و پرچم جنبش انقلابی و سوسیالیستی و برابری طلبانه را برافرازند. این تنها راه نجات مردم ایران و نقطه آغاز تحولات بنیادی در منطقه و جهان خواهد بود.

زنده باد پرچمداران آزادی و برابری و سوسیالیسم در دانشگاههای ایران
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۸۵ - ۶ دسامبر ۲۰۰۶

مازندران مردم ایران و بشریت را نمایندگی کردند و در مقابل جریانان اسلامی و قوم پرست و ناسیونالیست و در مقابل سرمایه داری پرچم روشنی بلند کردند. دانشجویان با تاکید بر رهائی اجتماعی از بربریت سرمایه داری و با برافراشتن پرچم سوسیالیسم بر زخمهای طبقه کارگر و مردم محروم مرهم نهادند و کل جامعه را به این راه حل فراخوان دادند. این افق دیگر، راه حلی دیگر، جنبشی دیگر و آینده ای دیگر است. یک آینده بهتر!

حزب کمونیست کارگری به برگزارکنندگان و دست اندرکاران مراسلهای پرشکوه ۱۴ و ۱۵ آذر

رهائی جامعه است"، "سوسیالیسم یا بربریت"، "ما جز زنجیرهایمان چیزی برای از دست دادن نداریم"، "مردم نان میخواهند نه بمب"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "ما متحد استراتژیک جنبش کارگری و جنبش زنان هستیم"، "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد"، "دانشگاه پادگان نیست" و "مرگ بر استبداد"، از آن جمله اند. این پلاتفرم آزادی جامعه است، پلاتفرم نفی حکومت مذهبی است، پلاتفرم نفی جنگ و میلیتاریسم است، پلاتفرم نفی تبعیض و نابرابری است، پلاتفرم آزادی سیاسی و حق و عدالت و سوسیالیسم است. این پلاتفرم توهم ندارد و به راه حلهای نیم پز و

رادیو انترناسیونال

۴۹ متر ردیف ۶۲۲۵ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

از صفحه ۱ فتوای قتل دو نویسنده

بیان و ابراز نظر در باکو شعار میدادند و خواهان مجازات در خور برای رافق تقی بودند. در روستای نارداران اولین بار تعدادی تحریک شده و سازمان یافته شعار اعدام رافق تقی را دادند. سفیر جمهوری آذربایجان در تهران مورد بازخواست قرار گرفت و فوراً عقب نشینی کرده و با محکوم کردن رافق تقی، اعلام کرد که حکومت ایشان پاسخ درخور را به رافق تقی و سمیر صداقت اوغلو سردبیر نشریه خواهد داد.

در باکو این دو نفر دستگیر و در یک دادگاه فوری به دو ماه زندان محکوم شدند. حکومت اسلامی اما دست بردار نبود. از سفیر آذربایجان خواستند که دولت او از جمهوری اسلامی ایران رسماً معذرتخواهی کند. یک هفته بعد از این هیاهو، یک نامه برای آیت الله محمد فاضل لنکرانی فرستادند و از او خواستند که در مورد این دو نفر اظهار نظر کند. و این آخوند مهم در دستگاه حکومتی در روز روشن و در کمال وقاحت دستور قتل این دو نفر را صادر کرد. فتوای قتل داده شد و حکومت اسلامی ضمن اینکه خود رسماً اینرا نگفته بود، ولی با کمال قدرت در دفاع از این فتوا به میدان آمد و مبارزه در این ابعاد ادامه یافت.

حکومت اسلامی ایران در طول این مدت با رسانه ها و امکاناتی که در اختیار دارد به تبلیغات گسترده ای به زبان آذربایجانی مبادرت ورزیده و در سایت آذربایجان نیوز رسماً جمهوری آذربایجان را ایران شمالی نام نهاده و از اینکه افکار و عقاید ضد مذهبی و یا کمونیستی در این منطقه رایج است، اظهار نگرانی شدید نموده است.

جمهوری اسلامی ایران از یکسو ادعای تسلط بر این منطقه و از سوی دیگر از همین امروز ادعای دخالت در مسائل آنجا و اسلامیزه کردن این کشور را دارد. در آنسوی خط، اما یک جنبش وسیع علیه این فتوا و علیه اسلامیزه کردن باکو و آذربایجان در جریان است.

در همین یک هفته اخیر دو اتفاق مهم افتاد که باز هم باعث عکس

العمل هیستریک حکومت اسلامی شد. مرکز نویسندگان باکو در روز سه شنبه ۴ دسامبر اعلام یک کنفرانس مطبوعاتی کرده و سخنرانان در این کنفرانس رسماً علناً و بسیار تند، حکومت اسلامی ایران و فتوای قتل دو نویسنده را محکوم کردند. آنها اعلام کردند که حق انتقاد و نقد حق مسلم نویسندگان است و کسی نمیتواند از این حق دست بکشد و یا نویسندگان را تحت فشار بگذارد تا از این حق دست کشند. نویسندگان و روزنامه نگاران با ارسال یک نامه سرگشاده به رئیس جمهور آذربایجان، دولت آذربایجان را مورد انتقاد جدی قرار داده و خواهان عکس العمل جدی تری در مقابل جمهوری اسلامی ایران و دستور فتوای لنکرانی شدند.

حکومت اسلامی ایران یک روز قبل از این کنفرانس مطبوعاتی، به اراد و اویش خود فرمان داده بود به محل رفته و کنفرانس را بهم بریزند. آنها که در باکو تعداد اندکی هستند، جرات انجام این کار را نداشته و نتوانستند در محل کنفرانس مطبوعاتی دست از پا خطا کنند.

در عین حال در یک هفته گذشته یک اتفاق بسیار مهم دیگر افتاد. تعدادی از نویسندگان و روزنامه نگاران با برگزاری یک سمینار، رسماً کناره گیری خود از مذهب اسلام را به جامعه اعلام کردند. سه زن و پنج مرد در یک اقدام بسیار جالب و سمبلیک اعلام کردند که دیگر مسلمان نیستند و در اعتراض به این رفتار وقیحانه اسلامیون، کناره گیری خود از اسلام را اعلام میکنند. این موضوع با حساسیت بسیار زیاد حکومت اسلامی مواجه شد.

واقعیت اینست که در باکو و در آذربایجان، بدلیل سابقه تاریخی حضور و نفوذ کمونیسم و افکار و عقاید مترقی و انتقادی، سنت انتقاد از مذاهب و ادیان یک سنت قدیمی است. در باکو و در شهرهای دیگر آذربایجان نقد به مذهب و بررسی انتقادی مذاهب و یا اسلام سیاسی یکی از موضوعات همیشگی نشریات بوده است. حکومت اسلامی ایران نیز اینرا دیده و در

از میان نامه ها

آرش سرخ مقاله ای تحت عنوان "نقش مذاهب در گسترش آیدز" برای چاپ در انترناسیونال فرستاده است. یاد آور شده است که این مقاله برای اولین بار در ۱ دی ۱۳۸۴ در نشریه سکولار، ارگان انجمن ضد دین، منتشر شده است.

آرش سرخ عزیز، مقاله ات علیرغم اینکه حاوی اطلاعات و نکات تحلیلی با ارزشی است اما در انترناسیونال چاپ نشد بدلیل اینکه اولاً، قبلاً در جایی چاپ شده است و ثانیاً طولانی تر از ظرفیت انترناسیونال است. چند مقاله ات در باره جنگهای سرمایه داری که در شماره های قبل چاپ شده است بخوبی ماهیت ضد انسانی نظام طبقاتی سرمایه داری را افشا میکنند. قصد داشتی به طور اختصاصی برای چاپ در انترناسیونال به نمونه های بیشتری از جنگهایی که محصول این نظام هستند پردازی. قلمت را مجدداً برای ادامه این مطالب به کار ببند.

محسن نامه ای از ایران به مناسبت سالروز تشکیل حزب

با سلام های گرم

محسن عزیز با سلام ممنون از پاسخ به سؤال در باره دموکراسی. مقاله "دموکراسی، تعابیر و واقعیتها" را هم که توصیه کرده بودی خواندم و بسیار لذت بردم. همچنین پاسخ خودت بسیار روشنگرانه بود. دوست داشتم یک سؤال دیگر مطرح کنم. نظام شورایی به چه معناست و اینکه در نظام شورایی هر وقت مردم اراده کنند میتوانند رهبران یا مسئولین یا دولت را برکنار کنند یعنی چی؟ لطفاً توضیح بدهید. اگر مقاله روشنگرانه ای مد نظر دارید لطفاً معرفی کنید.

باتشکر داوود رفاهی

داوود عزیز در این شماره فقط خواستم به اطلاعات برسانم که نامه ات دریافت شد و حتماً در باره نظام شورایی، تفاوتش با نظامهای سیاسی دیگر و اینکه چرا نظام شورایی در مقایسه با نظامهای دیگر بیشترین و فعالترین امکان دخالت افراد در سرنوشت سیاسیشان را فراهم میکند در شماره بعد صحبت خواهیم کرد. مکتبته ات با انترناسیونال را ادامه بده و انترناسیونال را به دست دوستان و آشنایان برسان. محسن

اطلاعی ها و اظهار نظرهای اخیر مقامات حکومتی و یا بحث دو روز پیش در مجلس حکومت اسلامی بارها به این انتقادات رایج اشاره شده است. حکومت اسلامی ایران از نفوذ این عقاید در آذربایجان و رشد این گرایش انتقادی وحشت دارد.

باید بهر طریق ممکن جلو گسترش اسلام سیاسی و جلوی دست اندازی این جنبش کثیف به زندگی و مقدرات مردم در همه جا را گرفت. باید از آزادی بیان و آزادی نقد و انتقاد دفاع کرد و باید نشان داد که مردم در دنیا و مردم ایران مخالف این جانان بوده و برای سرنوشت این حکومت و این بختک سیاه مبارزه میکنند. مبارزه علیه فتوای قتل دو نویسنده در عین حال یک جبهه مهم مبارزه بر علیه حکومت اسلامی ایران است. *

عصر روز پنجشنبه ۳۰ نوامبر تعداد ۱۰ نفر از دوستان حزب در پیرامون من، بمناسبت سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران دور هم جمع شدیم و پس از شام در یک جلسه صمیمی و شاد به مرور راه پر فراز و نشیبی که حزب طی کرده است پرداختیم. تعدادی از نوشته ها و ادبیات حزب، از جمله برنامه یک دنیای بهتر بین دوستان پخش شد. از تلاشهای منصور حکمت گفتیم. راه انسانی جنبش کمونیسم کارگری و اهداف این جنبش را یاد آور شدیم و بر ادامه راه رهروان آن تأکید کردیم. برای اولین بار، برای چند نفر از دوستان از جهات مختلف دیدگاههای حزب صحبت شد که با استقبال خیلی زیادی روبرو شد. شرکت یکی از جوانان در این جلسه و سوالاتی که در باره حزب و برنامه مطرح میکرد، از نکات برجسته جلسه بود. این جلسه ۵ ساعت بطول انجامید.

از ایران، در باره کیفیت صدای انترناسیونال در روز جمعه ۱۰ آذر ۸۵ صدای رادیو انترناسیونال در کرمانشاه صاف و بدون پارازیت شنیده شد. در کرج صدا بد است و فهمیده نمیشود. در سنجند امشب صدا بد بود. فقط یک لحظه فهمیدیم که شهلا دانشفر صحبت میکنند. ولی فهمیده نمیشود.

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



بازندگان ۱۶ آذر

تظاهراتهای باشکوه و تاریخی ای که این روزها به مناسبت ۱۶ آذر صورت گرفت، یک چیز را بیش از هر چیز جلوی چشم گذاشت: شکست جمهوری اسلامی و سیاست نوع احمد نژادیش. حدود دوسال است جمهوری اسلامی با شکست دوم خرداد و پروژه های دیگرش، باند آدم



کشان حرفه ایش را به سر کار کشیده است تا جامعه را به رعب بکشاند و خط امام را احیا کند. عده ای از



همه سو باور کردند که جمهوری اسلامی شمشیر ها را از رو مینند و آمده است که بزند و ببندد و میتواند جامعه را به سکون بکشد. و به واقع هم در این دوسال زند و بستند و دستگیر کردند و هرچه جنایت از دستشان بر می آمد انجام

دیگرش نشان داد که جنبش اعتراضی دانشجویان و مردم در ایران را جمهوری اسلامی نتوانسته و نخواهد توانست به عقب براند. امسال برعکس شعارها چپ تر و رادیکال تر بود. اتحاد کارگر و دانشجو برجسته تر از قبل بود.

پرچمهای سرخ نشان از حضور قدرتمند چپ داشت و "سوسیالیسم یا بربریت" و "آزادی و برابری" برای هیچکس جای تردیدی در این نگذاشت.

این را از عکس العمل دفتر تحکیمی ها و نهضت آزادی نیز که میخواستند ۱۶ آذر رنگ مذهبی و صنفی به خود بگیرد و بعد خود را مغبون میدیدند میتوان دید. سخنگوی دفتر تحکیم وحدت میگوید "قرار بود دانشجویان فقط در مورد مسائل دانشجویی حرف بزنند نه اینکه مسائل خارج دانشگاه را به دانشگاه بیاورند" منظور ایشان آشکارا همان شعارهای سیاسی و چپ و رادیکال و حمایت از کارگران و زندان سیاسی است. اما ابراهیم یزدی که گویا پیامش را یکی از دانشجویان طرفدارش در گوشه ای از تجمع خوانده است قبل از تجمع فضا را ظاهرا بو کشیده و ابراز ناراحتی اش را ابراز میکند. بنا به گزارش بی بی سی "طی تجمع، یکی از دانشجویان پیام ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران را قرائت کرد که وی در آن وضعیت دانشگاهها در سال جاری را بسیار وخیمتر از سال گذشته ارزیابی کرده و ابراز تأسف کرده که برخی از دانشجویان تحت تأثیر اندیشه هایی که وی آنها را غیرعلمی می داند، اسلام را ضد تجدد تصور کرده اند و در نتیجه هویت دینی تشکلهای دانشجویی را کمرنگ کرده اند"

نمونه ها زیادند. یکی از سخنرانان انجمن اسلامی بنام وحید عابدینی هم که ظاهرا آمده بود که برای ۱۶ آذر سخنرانی کند با اعتراض به دانشجویانی که علیه رژیم و انتخابات مجلس خبرگانش شعار میدادند میگوید "قرار بود اینجا محل تجمع نیروهایی باشد که به دموکراسی (منظورش جمهوری اسلامی است) معتقدند نه اینکه شعار تحریم انتخابات و این چیزها را بدهیم"

اگر انسان حتی گزارشها و عکس های باشکوه تظاهراتها و شعارهای رادیکال و زیبایش را هم نشنیده و ندیده بود، همین چند اظهار نظر از جانب بازندگان ۱۶ آذر برای اینکه به دانشجویان صمیمانه و از صمیم قلب تبریک و زنده باد بگوید کافی بود.

سناریوی فرار از عراق بعد از یک فاجعه تاریخی

"گروه تحقیق عراق" که در واقع یک کمیسیون بلند پایه است که از جانب دولت آمریکا مامور بررسی موقعیت آمریکا در جنگ عراق شده، و "جیمز بیکر" وزیر کشور حکومت جرج بوش (پدر) در سالهای ۹۲-۸۹ ریاست آنرا بعهدہ دارد بعد از مدت ها بررسی و تحقیق به این نتیجه رسیده است که اوضاع در عراق هر روز وخیم تر میشود و چشم انداز پیروزی ای برای آمریکا در جنگ عراق وجود ندارد. این گروه میگوید در بهترین حالت میتوان جلوی فاجعه را گرفت. تازه در این مورد نیز نمیتوان چندان خوش بین بود. "گروه تحقیق" برای نجات دولت آمریکا از بحران عراق، محورهایی مختلفی را مورد تأکید قرار میدهد که مهمترین و بحث انگیزترین و مشکل ترین آنها را این دو محور تشکیل میدهد: یکی دیپلماسی فعالتر و مشخصا رابطه دیپلماتیک با ایران و سوریه و کمک خواستن از آنها برای حل مساله عراق، و دیگری تغییر اولیتهای نظامی است که مشخصا کنار کشیدن از درگیریهای مستقیم و ایفای نقش آموزش نیروهای ارتش و پلیس محلی را مد نظر دارد.

برای رسیدن به این نتیجه که اوضاع ارتش آمریکا و متحدانش در عراق وخیم است، گروه تحقیقی لازم نبود. هرکس امروز این را می بیند و میداند و رجزخوانیهای توخالی بوش و بلر و شرکا را به ریشخند میگیرد. حکومت بوش با سیاست نظم نوینی اش باتلاقی را در عراق ایجاد کرده که خود در آن گرفتار شده است و مدتهاست شکست این سیاست برای هر ناظری بدیهی ارزیابی میشود. اما به بازی گرفتن جمهوری اسلامی و حکومت سوریه، برای حل مشکل آمریکا در عراق، و دادن امور به دست دولت دست ساز و ناتوان عراق، در واقع سناریوی فراری مفتضحانه از این باتلاق خونین است. چنین سناریویی کل سیاست غرب در منطقه خاورمیانه و نتیجتا در جهان را درهم میریزد. روشن است که در پس این سیاست جامعه عراق بخودی خود از جنگ و کشتار و خون ریزی خلاص نخواهد شد بلکه این جامعه بیش از پیش به صحنه یک تازی جریانات اسلامی و

قومی و مرتجع و تروریست تبدیل خواهد شد. جنگ عراق جنگی میان تروریستها و آدمکشان است. با شکست یک سوی این جنگ برای مردم عراق و مردم شریف جهان مساله تمام نخواهد شد. هر دو سوی این جنگ باید به شکست کشیده شوند. شکست نیروهای نظم نوینی خودبخود به معنای پیروزی ای برای طرف مقابل است که بهیچ وجه دست کمی در کشتار مردم نداشته و ندارد. مستقل از اینکه حکومت بوش تا چه حد به توصیه های "گروه تحقیق" اش عمل کند، این حکومت عملا و به هر شکلی در تلاش است که خود را از مهلکه خونینی که خود خلق کرده و قربانیان مستقیمش مردم بی دفاع عراق هستند، خلاص کند. اما این به معنای اینست که با پیاده کردن این سناریو، مردم ستمدیده عراق باید تکلیف خود را با طرف دیگر این جنگ یعنی خون آشام ترین تروریستهای تاریخ روشن کنند. این کاری بس دشوار و سترگ و پیچیده است که تنها با مبارزه و نبرد و تلاش متحدانه نیروهای میلیونی بشریت متمدن میتواند و باید انجام شود. نه فقط سرنوشت مردم عراق بلکه آینده سیاست در جهان را این نبرد دشوار تعیین خواهد کرد. آنچه میتواند بیش از هر تحول و تلاش و مبارزه ای این حرکت جهانی را تسریع کند و این اوضاع خطرناک را زیرورو نماید، به زیر کشیدن حکومت اسلامی با انقلاب مردم ایران است که با توجه به وجود یک جنبش سرنگونی کاملا مشهود در ایران، یک احتمال عینی و واقعی است. چنین تحولی هم شکست سیاست نظم نوینی را قطعی و تضمین خواهد کرد و هم یک گام اساسی است که میتواند به جنبش جهانی برای خلاصی از شر اسلام سیاسی و تروریسم بطور جهشی نیرو ببخشد، و این کلاف سردرگم جنگ و ترور و کشتاری را که نیروهای سرمایه داری این قرن به مردم عراق و جهان تحمیل کرده اند بگشاید و بشریت را ازین کابوس وحشتناک و از شر کل این دیوهای تاریخ و جهنمی که به مردم تحمیل کرده اند خلاص کند. *

برنامه حزب

یک دنیای بهتر را بخوانید